

# در رثای عزیزی که نامش مسمای وجودش بود

با وجود چنین آشنایی نسل ما با «دکتر کاردان»، اولین باری که توفیق یافتیم تا از نزدیک با وی آشنا شوم، سال ۱۳۷۲ بود که بعد از اتمام تحصیلاتم، به ایران بازگشته بودم و دلم می‌خواست که محمل مناسبی برای آرایه‌ی یافته‌ها و دانسته‌هایم با مخاطب ایرانی پیدا کنم. منتها اشکال کارم این بود که واژگان مناسب، یعنی محمل لازم را برای گفت‌وگو با مخاطبم نداشتم. بدین سبب، با شناختی که از طریق نوشته‌های دکتر کاردان با ایشان داشتم، تصمیم گرفتم به مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران بروم و از نزدیک با وی ملاقات کنم. پس پایان‌نامه و رساله‌ام را برداشتم و به مؤسسه رفتم. دکتر کاردان با خوش‌رویی و تواضع بسیار مرا پذیرفت و علت ملاقات را جویا شد. گفتم که در چه حوزه‌هایی کار کرده‌ام و به قول معروف، «یک سینه سخن دارم!» اما زبان ارتباطی مناسبی با مخاطب خود ندارم و در این زمینه، نیازمند کمک هستم. به‌خصوص، اولین واژه‌ای که برایش معادل می‌خواستم، **constructivism** بود، زیرا پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشدم براساس این دیدگاه تدوین شده بود و علاوه بر این، تحقیقات متعددی در زمینه‌ی آموزش ریاضی و علوم انجام شده بودند که تا آن زمان، هنوز برای مخاطب ایرانی چندان آشنا نبودند. در حالی که این دیدگاه، با ماهیت یادگیری انسانی سازگاری زیادی دارد و احساس می‌کردم که نه تنها معرفی نظری آن، بلکه معرفی تحقیقات انجام‌شده و آشنایی با روش‌شناسی تحقیقات مبتنی بر این دیدگاه، ممکن است بتواند فضای شدیداً «رفتاری» و «کمی» حاکم بر تحقیقات علوم تربیتی آن زمان ایران را اندکی تلطیف کند. به همین دلیل، بیش از یک ساعت با دکتر کاردان راجع به **constructivism** صحبت کردم. ایشان با حوصله گوش می‌کرد و معادل‌هایی پیشنهاد می‌داد که پس از بحث در مورد هر یک، آن‌ها را کنار می‌گذاشتم و به سراغ معادل دیگری می‌رفتم. مثلاً، به معادل «ساخت‌گرایی» یا «ساختن‌گرایی» فکر کردیم، اما **constructionism** نمی‌گذاشت! پس از آن، به «ساختارگرایی» توجه نمودیم، اما **structuralism** مدعی بود! سپس به «سازه‌گرایی» دقیق‌شدم و **construct** مانع شد! بالاخره، با مرور مجدد مبانی نظری **constructivism**، دکتر کاردان معادل «ساخت و سازگرایی» را پیشنهاد کرد که به نظرم مناسب‌ترین آمد زیرا بیش از همه با ماهیت آن «جور»

مسلمانان مرا وقتی دلی بود که با وی گفتمی گر مشکلی بود دلی هم درد و یاری مصلحت بین که استظهاری هر اهل دلی بود به گردابی چو می‌افتادم از غم به تدبیرش امید ساحلی بود

برای ابراز احساسم نسبت به ضایعه‌ی بازگشت روان‌شاد علیمحمد کاردان به دیار باقی، به حافظ تغالی زدم و از نکته‌سنجی وی، حیرت‌زده گشتم. می‌دانم که بدون مدد حافظ، نمی‌توانستم واژه‌هایی چنین مناسب که وصف حال من و ده‌هاتن دیگر مانند من است، بیابم. مرحوم کاردان وجود گرمابخشی در فضای نسبتاً یخ‌زده‌ی علوم تربیتی ایران بود که بدون هیاهو و بدون جنجال، اثربخش بود و سازنده و هم‌درد و یاور بسیاری که آرزوهای بزرگ در سر می‌پروراندند، و او بود که با تدبیرش، امید رسیدن به ساحل را در آن‌ها زنده نگه می‌داشت.

قبل از این که با دکتر کاردان از نزدیک آشنا شوم، وی را به عنوان یکی از پیشگامانی که برای تحصیل علم به اروپا رفته بودند، می‌شناختم و آرزوی شاگردی در محضرش را داشتم. بدین جهت که عاشق معلمی بوده و هستم و دکتر کاردان از جمله کسانی بود که انتخاب اصلی و تنها انتخابش برای زندگی حرفه‌ای و علمی، معلمی بود.

دکتر کاردان، نسل ما را با یافته‌های جدید علمی غرب آشنا کرد و از معدود کسانی بود که بیش از آن که دغدغه‌ی کمیت علمی را داشته باشد و در گرداب چنین کمیت‌هایی بیفتد، ترجمان زبان رنه‌گون شد که به بشریت نسبت به «سیطره‌ی کمیت»، نهیب می‌زد! کاردان تلاش نمود تا با ایجاد پلی محکم بین فرهنگ غنی آموزشی در ایران و دست‌آوردهای نظریه‌پردازان بزرگی چون پیاز و اتو کلاین برگ، به تربیت نیروی انسانی و تأسیس نهادهای علمی در ایران همت گمارد، او در این کار، موفقیت بزرگی کسب کرد. زیرا در ژنو و محضر بزرگانی تربیت علمی یافته بود که در واقع، می‌توان ادعا کرد که به نوعی، بنیان‌گذار تعلیم و تربیت مدرن در غرب بودند؛ یعنی آب را از سرچشمه نوشیده بود که در بازگشت به ایران، این انضباط علمی و ذهنی، با عشق به معلمی و هوش و دقت و انسان‌دوستی و خلاقیت و اخلاق پسندیده و ایران‌دوستی توأمان شدند و شخصیت ماندگاری چون «کاردان» را ساختند.

در می‌آمد. با همین معادل، مسیر تازه‌ای برای بیان ایده‌های مربوط به «ساخت و سازگرایی» و معرفی تحقیقات آموزش ریاضی در این حوزه پیدا کردم و این «تدبیر»، امید رسیدن به «ساحلی جدید» را در من ایجاد کرد.

\*\*\*

دکتر کاردان، کارهای تأسیسی متعددی در ایران انجام داد که همگی، بدون جنجال و بدون سر و صدا بودند، اما تبدیل به نهادهایی شدند که هم در جغرافیای زمان و مکان خود بی‌نظیر بودند و هم بعد از گذشت چند دهه، هنوز بی‌بدیل هستند. از جمله کارهای تأسیسی دکتر کاردان، می‌توان به ایجاد «کنکور سراسری» و اولین برگزاری آن در ایران، اشاره کرد. علاوه بر این، در زمانی که دکتر کاردان، رئیس دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران بود، برای اولین بار - و فقط برای یک دوره - کارشناسی ارشد آموزش ریاضی و علوم در ایران تأسیس شد و چندین نفر فارغ‌التحصیل آن دوره شدند.<sup>۱</sup>

گذشته از خدمات دکتر کاردان به دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آموزش و کتابخانه‌ی دانشگاه تهران نیز از توانایی‌های وی بسیار بهره‌برد. دکتر کاردان از معدود کسانی بود که بدون هیاهو، به کارهای آموزشی درازمدت توجه داشت و از زوایای مختلف، به وضعیت حال و آینده‌ی آموزش و پرورش ایران می‌پرداخت. به‌طور مثال، وقتی که در اواخر دهه‌ی ۱۳۴۰، تعداد فارغ‌التحصیلان متوسطه‌ی بی‌کار روبه‌فزونی گذاشت، کاردان دردمندانه هشدار داد که «نمی‌توانیم بگوییم خوب مانعی ندارد از دبیرستان بیرون می‌آیند، دانشگاه قبول نمی‌شوند، خوب بروند دنبال کارشان. آخر کجا بروند؟ دنبال کارشان چه حرفی است؟ ما وظیفه داریم که این‌ها را برای کارهای مشخص تربیت کنیم... بنابراین، هر جوانی که توی کوچه بی‌خودی پرسه می‌زند، طلایی است که از بین می‌رود و بایستی به فکر او بود و نمی‌توانیم بگوییم به ما چه» (۱۳۴۹).

\*\*\*

پس از انقلاب نیز، دکتر کاردان در کارهای تأسیسی همیشه پیش قدم بود. وی از بدو تأسیس شورای تحقیقات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت<sup>۲</sup>، همیشه حامی و همراه پژوهشگران جوان بود. ایشان با حوصله در جلسات شرکت می‌کرد، در اکثر گردهمایی‌های شورای تحقیقات شرکت نمود، و در چندین همایش که به قصد هم‌اندیشی در مسایل مهم آموزشی کشور از جمله دوباره‌نگری در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها بود، نقش کلیدی داشت.

دکتر کاردان در سال ۱۳۷۵ که «اولین کنفرانس آموزش ریاضی ایران» در اصفهان برپا شد، سخنران جلسه‌ی افتتاحیه بود. پس از این کنفرانس، حدود یک سال و نیم، در جلساتی که هر دو هفته یک‌بار در دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران و با حضور جمعی از ریاضی‌دان‌ها، آموزشگران ریاضی و متخصصان علوم تربیتی تشکیل می‌شد، شرکت کرد که هدف آن، پیشنهاد برنامه‌ی کارشناسی ارشد آموزش

ریاضی به کمیته‌ی تخصصی ریاضی گروه علوم پایه‌ی شورای عالی برنامه‌ریزی آن زمان بود که آن برنامه، در سال ۱۳۷۸ تصویب شد و برای اجرا، به دانشگاه‌ها ابلاغ گردید.

یادم می‌آید که در آن جلسات، دکتر کاردان با تیزی و ظرافت بسیار، رهنمودهای ارزنده‌ای داد که به بهبود برنامه و اجرایی شدن آن کمک شایانی کرد. یکی از ظرافت‌های ایشان، انتخاب عنوان‌های دروس بود که به‌طور نمونه، می‌توان به درس «حل مسأله‌ی ریاضی» اشاره کرد. دکتر کاردان با درایت کم‌نظیر خود و شناخت عمیقی که از فرهنگ آموزشی ایران داشت، برای همان محتوا، عنوان اصلاحی «بنیان‌های نظری حل مسأله‌ی ریاضی» را پیشنهاد داد!

در مسیر توسعه‌ی آموزش ریاضی، دکتر کاردان توصیه کرد که حتماً یکی دو کتاب معروف در آموزش ریاضی را ترجمه کنیم تا این رشته در ایران، قوام یابد و یادآور شدند که به دلیل جدید بودن رشته در ایران، چاره‌ای نیست جز آن‌که از طریق ترجمه‌های خوب از منابع کلاسیک، معتبر بودن رشته‌ی آموزش ریاضی و اصالت و قدمت آن و خدماتی که می‌تواند ارائه دهد، نشان داده شود. به همین دلیل، ترجمه‌ی کتابی که راجع به آن با دکتر کاردان مشورت شده بود، مراحل پایانی خود را می‌گذراند - کتابی که مربوط به یادگیری ریاضی دوره‌ی ابتدایی است - و اگر خداوند توفیق دهد، چاپ این ترجمه به روح بلند این اندیشمند بی‌ادعا و مخلص، اهدا خواهد شد.

\*\*\*

از نظر دکتر کاردان، مهم‌ترین رسالت یک مربی تربیتی و یک عالم، ایجاد روحیه‌ی علمی در جامعه و ترویج علم بود. دکتر کاردان برخلاف بسیاری از تحصیل‌کرده‌های گرفتار شده در شرایط زمان که هنوز از گدازه نرسیده، دست به تألیف‌های متعدد می‌زنند، چندین بار در مجامع مختلف تأکید کرد که «هرگاه خواستم دست به تألیف بزنم، ابتدا جستجو کردم تا اگر مرجع قابل اتکالی توسط فرد معتبری وجود دارد، به جای «تألیف»، آن را «ترجمه» کنم» زیرا هدف وی، ارتقای سطح شعور و آگاهی مردم بود و برایش فرق نمی‌کرد که از طریق ترجمه‌ی خوب این کار را بکند یا از طریق تألیف. کاردان به معنای واقعی، مروج علم بود و بدین سبب «حدیثش نکته‌ی هر محفل» در ایران است که به قول خواجه‌ی شیراز، «سخن او تعلیم یافته‌ی عشق» بود و در این سخن، استنباطش از ارتقای علمی، نه تعداد مقاله با هر کیفیتی، بلکه بسترسازی برای توسعه‌ی علمی جامعه، جهل‌ستیزی و ممانعت از چوب حراج زدن بر سر علم و تحقیق بود و این میراث گران قدری است که از وی باقی مانده است.

روحش شاد و راهش پررهر و باد.

پانویس‌ها

۱. دلایلی که فقط یک دوره تشکیل شد، مربوط به این یادداشت نمی‌شود.

۲. در حال حاضر، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.